

Submit Date: 25 February 2025

Revise Date: 29 April 2025

Accept Date: 06 May 2025

Publish Date: 13 July 2025

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Revisiting the Conceptual and Structural Differences Between Economic and Financial Crimes in the Iranian Criminal Justice System: A Comparative and Criminological Study

Farid Hesami Ghahramanloo¹, Hamed Hesami Ghahramanloo^{*2}

1. Alumnus, Department of Private Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

2. Alumnus, Department of Criminal Justice and Criminology, University of Mahabad, Mahabad, Iran.

* Corresponding Author's Email: Hamed.hesami88@gmail.com

ABSTRACT

In recent decades, economic and financial crimes have become one of the most critical challenges in both domestic and international criminal law. While these two types of crimes are often used interchangeably in legal texts, a more precise examination of their concepts and instances within the Iranian legal system reveals fundamental distinctions between them. This article adopts an analytical-descriptive method and is based on library sources to conduct a detailed comparison and analysis of the legal and criminological concepts, elements, consequences, and characteristics of economic and financial crimes. The article first defines each of these crimes conceptually and then, by examining differentiation criteria such as the subject matter of the crime, the breadth of victim impact, the mental element, the possibility of pardon, prosecution methods, and their socio-economic consequences, elucidates the points of divergence and convergence. Subsequently, through the analysis of relevant legal provisions—especially in the Islamic Penal Code of 2013 and other specific laws—the article highlights the ineffectiveness of current definitions and the lack of clear articulation in Iran's legislative criminal policy. Ultimately, it offers suggestions for conceptual clarification, the establishment of a comprehensive classification system, and the reinforcement of differentiated criminal policy. This study demonstrates that a clear distinction between economic and financial crimes is a necessary step toward enhancing the efficiency of the criminal justice system and promoting economic integrity in the country.

Keywords: *Economic crimes, Financial crimes, Criminal policy, Mental element, Economic order, Criminal justice*

How to cite: Hesami Ghahramanloo, H., & Hesami Ghahramanloo, F. (2025). Revisiting the Conceptual and Structural Differences Between Economic and Financial Crimes in the Iranian Criminal Justice System: A Comparative and Criminological Study. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-15.



تاریخ ارسال: ۷ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۲ تیر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بازخوانی تفاوت‌های مفهومی و ساختاری جرایم اقتصادی و مالی در نظام کیفری ایران: مطالعه‌ای تطبیقی و جرم‌شناختی

فرید حسامی قهرمانلو^۱، حامد حسامی قهرمانلو^{۲*}

۱. دانش آموخته، گروه حقوق خصوصی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. دانش آموخته، گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مهاباد، مهاباد، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Hamed.hesami88@gmail.com

چکیده

جرایم اقتصادی و مالی در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. در حالی که در متون حقوقی، این دو نوع جرم اغلب به‌صورت مترادف به‌کار می‌روند، بررسی دقیق‌تر مفاهیم و مصادیق آن‌ها در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که تمایزات بنیادینی میان این دو وجود دارد. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، به بررسی و مقایسه دقیق مفاهیم، ارکان، آثار و ویژگی‌های حقوقی و جرم‌شناختی جرایم اقتصادی و مالی می‌پردازد. مقاله حاضر نخست به تبیین مفهومی هر یک از این جرایم پرداخته و سپس با بررسی ملاک‌های تمایز مانند موضوع جرم، گستره زیان‌دیدگان، عنصر روانی، قابلیت گذشت، شیوه تعقیب، و آثار اجتماعی - اقتصادی آن‌ها، به تشریح وجوه افتراق و اشتراک می‌پردازد. در ادامه، با تحلیل مواد قانونی مرتبط به‌ویژه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و سایر قوانین خاص، ناکارآمدی تعاریف موجود و فقدان تبیین روشن در سیاست جنایی تقنینی ایران برجسته شده و در نهایت پیشنهادهایی برای شفاف‌سازی مفاهیم، ایجاد نظام طبقه‌بندی جامع و تقویت سیاست افتراقی ارائه می‌شود. این پژوهش نشان می‌دهد که تفکیک روشن میان جرایم اقتصادی و مالی، گامی ضروری برای کارآمدسازی نظام کیفری و ارتقای سلامت اقتصادی در کشور است.

کلیدواژگان: جرایم اقتصادی، جرایم مالی، سیاست جنایی، عنصر روانی، نظم اقتصادی، عدالت کیفری.

نحوه استناددهی: حسامی قهرمانلو، فرید. و حسامی قهرمانلو، حامد. (۱۴۰۴). بازخوانی تفاوت‌های مفهومی و ساختاری جرایم اقتصادی و مالی در نظام کیفری ایران: مطالعه‌ای تطبیقی و جرم‌شناختی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۲)، ۱-۱۵.



نمونه، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صرفاً در ماده ۳۶ و تبصره‌های آن، به مصادیقی از جرایم اقتصادی اشاره کرده است، بدون آن‌که تمایز مفهومی با جرایم مالی ایجاد کند.

نبود چنین تفکیکی، موجب سردرگمی مراجع تقنینی، قضایی و حتی آکادمیک شده است. برای مثال، در عمل برخی دادگاه‌ها جرم کلاهبرداری را به‌عنوان جرم مالی قلمداد می‌کنند، درحالی‌که در برخی موارد با استناد به حجم و گستره تاثیر آن، در رده جرایم اقتصادی قرار می‌گیرد. این درهم‌تنیدگی مفهومی، موجب تضعیف پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری شده و سیاست‌گذاری‌های جنایی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است (Mir Mohammad Sadeghi, 2017).

در همین راستا، این مقاله با هدف بازخوانی و تبیین تفاوت‌های مفهومی، ساختاری و جرم‌شناختی میان جرایم مالی و اقتصادی، تلاش دارد با اتکا بر متون حقوقی، قوانین کیفری ایران، نظریات دکترین حقوق جزا، و مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر و اسناد بین‌المللی، تصویری دقیق از جایگاه هر یک از این دو نوع جرم ارائه دهد. در ادامه، با تحلیل تطبیقی مفاهیم، بررسی عناصر سه‌گانه جرم، و نیز ارزیابی پیامدهای اجتماعی و کیفری آن‌ها، به ضرورت تفکیک این دو نوع جرم و تاثیر آن بر ارتقای کارآمدی سیاست جنایی ایران پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری تحقیق

مسئله‌ی افتراق مفهومی و ساختاری میان جرایم اقتصادی و مالی، بدون بررسی دقیق مبانی نظری آن‌ها ممکن نیست. ازاین‌رو، در این بخش، مفاهیم پایه‌ای هریک از این جرایم، بستر نظری تولید آن‌ها، تحولات تقنینی و جرم‌شناختی مرتبط، و چالش‌های مفهومی که در تطبیق و تشخیص آن‌ها در نظام کیفری ایران وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی جرم مالی

تحولات پرشتاب در حوزه‌های اقتصادی، گسترش شبکه‌های مالی و تعاملات پیچیده تجاری، موجب پدیدآمدن گونه‌ای از جرایم شده است که ماهیتی فراتر از جرایم سنتی علیه اموال و اشخاص دارند. در این میان، دو مقوله‌ی پرکاربرد اما در اغلب موارد به‌اشتباه مترادف‌انگار شده در حقوق کیفری معاصر ایران، عبارت‌اند از «جرایم مالی» و «جرایم اقتصادی». این دو مفهوم اگرچه در ظاهر دارای وجوه اشتراک‌اند، اما در عمل و در نظام‌های تقنینی، اجرایی و قضایی، دلالت‌های متفاوتی داشته و تفاوت در اهداف، عناصر، آثار و حتی در نحوه‌ی رسیدگی به آن‌ها نمایان است.

جرایم مالی عمدتاً به اقداماتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها یک یا چند فرد خاص متضرر می‌گردند و محوریت جرم، ورود ضرر به اموال اشخاص حقیقی یا حقوقی است. این نوع جرایم شامل کلاهبرداری، خیانت در امانت، جعل اسناد مالی، اختلاس، ارتشا و مانند آن‌ها می‌شود. در مقابل، جرایم اقتصادی به اعمالی اطلاق می‌گردد که منجر به اختلال در نظام اقتصادی یک کشور می‌شود و بیشتر دارای اثرات کلان اجتماعی و سیاسی است. جرایم اقتصادی غالباً با نهادهای حاکمیتی و ساختارهای کلان اقتصادی مرتبط هستند و از جمله مهم‌ترین مصادیق آن‌ها می‌توان به پول‌شویی، قاچاق کالا و ارز، اختلال در نظام تولید و توزیع کالا، و فرار مالیاتی گسترده اشاره کرد (Shambati, 2014).

اهمیت این تمایز تنها در حوزه مفاهیم نظری خلاصه نمی‌شود، بلکه در ابعاد مختلف سیاست جنایی، قانون‌گذاری، اجرای عدالت کیفری، حفاظت از حقوق بزه‌دیدگان، پیشگیری از فساد سازمان‌یافته و نیز همکاری‌های بین‌المللی در مقابله با جرایم اقتصادی و مالی، نقشی اساسی ایفا می‌کند. بااین‌حال، نظام کیفری ایران تا حد زیادی فاقد یک طبقه‌بندی روشن، دقیق و کارآمد در افتراق میان این دو دسته از جرایم است. بسیاری از قوانین، تعاریف را یا ارائه نداده‌اند یا به‌صورت ضمنی به آن پرداخته‌اند. به‌طور

مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی

در مقابل، جرایم اقتصادی مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات حقوق کیفری و جرم‌شناسی هستند. این جرایم معمولاً به آن دسته از رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شوند که نظم عمومی اقتصادی کشور را مختل کرده، موجب بی‌ثباتی در چرخه تولید، توزیع و مصرف شوند و زیان‌های گسترده‌ای را متوجه جامعه، دولت و نظام پولی و مالی نمایند (Zeraat, 2017).

در قانون‌گذاری ایران، مصادیق جرم اقتصادی در متون مختلف پراکنده‌اند، از جمله قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون مبارزه با پول‌شویی، و مواد خاصی از قانون مجازات اسلامی. برخلاف جرایم مالی که بیشتر ناظر به منافع فردی‌اند، در جرایم اقتصادی، مخاطره‌ای که رفتار مجرمانه برای کل نظام اقتصادی کشور ایجاد می‌کند، محور اصلی جرم‌انگاری است (Raeesdana, 2004).

مهم‌ترین مصادیق جرایم اقتصادی در نظام کیفری ایران عبارت‌اند از: قاچاق گسترده کالا و ارز؛ پول‌شویی در سطح کلان؛ اخلاف در بازار رسمی (نظیر احتکار، انحصار، دستکاری قیمت‌ها)؛ فرار مالیاتی سازمان‌یافته؛ ضرب سکه و اسکناس جعلی؛ معاملات پنهان در بورس؛ استفاده غیرمجاز از رانت‌های اطلاعاتی در معاملات بزرگ.

ویژگی اصلی این جرایم، چندلایه بودن تأثیر آن‌ها، عدم وجود بزه‌دیده‌ی مشخص، غیرقابل گذشت بودن، و نیاز به ورود مستقیم دادستان به عنوان مدعی‌العموم است (Ebrahimi, 2011).

تطبیق مفهومی اولیه و چالش‌های موجود

در متون داخلی، فقدان یک تعریف قانونی دقیق از هریک از دو مفهوم «جرم مالی» و «جرم اقتصادی»، موجب گسترش تفسیرهای گاه متناقض شده است. برای نمونه، برخی از دادگاه‌ها

جرم مالی به‌طور کلی به آن دسته از اعمال مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که ناظر به تحصیل یا تصرف غیرقانونی مال غیر بوده و با نیت سودجویی شخصی یا سازمان‌یافته از رهگذر تخلف از قوانین و اصول مربوط به مالکیت، اسناد مالی، دارایی و معاملات صورت می‌گیرد. این جرایم دربردارنده ضرر مالی مستقیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی‌اند، و مهم‌ترین ویژگی آن‌ها در ساختار سستی حقوق جزا، تضییع مال متعلق به دیگری است (Goldouzian, 2016).

برخی از مهم‌ترین مصادیق جرایم مالی در نظام حقوقی ایران عبارت‌اند از: اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری، جعل اسناد مالی، خیانت در امانت، پول‌شویی، تحصیل مال نامشروع، صدور چک بلامحل، و معاملات ربوی. وجه اشتراک اغلب این جرایم، ارتکاب آن‌ها به وسیله فریب یا سوءاستفاده از اعتماد یا موقعیت حقوقی در راستای دستیابی به منافع مالی شخصی است (Mir, 2017).

در حقوق تطبیقی نیز نهادهای بین‌المللی از جمله گروه اقدام مالی (FATF) و بانک جهانی، جرم مالی را «هر عمل مجرمانه‌ای که با هدف سودجویی از طریق نقض اعتماد، تقلب یا فریب در مناسبات مالی انجام شود» تعریف کرده‌اند. این تعریف، تمرکز بر عنصر سودجویی شخصی از رهگذر ارتکاب جرایم علیه دارایی و اموال اشخاص دارد، و ویژگی کلان اقتصادی یا تخریب ساختارهای اقتصادی کشور در آن نقش پررنگی ندارد (Gottschalk, 2010).

در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که جرایم مالی با ویژگی‌هایی مانند وجود بزه‌دیده‌ی معین، امکان گذشت، رسیدگی کیفری مبتنی بر شکایت خصوصی، و آثار محدود، از جرایم اقتصادی متمایز می‌شوند؛ اما همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، گاه مرزهای مفهومی آن‌ها به‌شدت به یکدیگر نزدیک شده و افتراق میان آن‌ها دشوار می‌گردد.

تبیین جایگاه حقوقی و ساختاری این دو دسته از جرایم نقشی بنیادین ایفا می‌کنند. در این بخش، تلاش می‌شود تا از رهگذر تحلیل این عناصر، وجوه تمایز و تقارن میان جرایم مالی و اقتصادی با تأکید بر منابع حقوقی داخلی و نظام‌های تطبیقی تبیین شود.

عنصر قانونی

عنصر قانونی جرم، بنیاد اولیه جرم‌انگاری است و مطابق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هیچ رفتاری جرم تلقی نمی‌شود مگر آنکه قانون‌گذار صراحتاً آن را جرم شناخته باشد. در حوزه جرایم مالی، اغلب قوانین به صورت مشخص به تعریف و تعیین مصادیق این جرایم پرداخته‌اند. برای مثال، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۷۵)، قانون صدور چک (۱۳۵۵)، و قانون مجازات اسلامی در باب جعل اسناد، مصادیق صریحی از جرایم مالی ارائه داده‌اند (Mir Mohammad, 2017; Sadeghi, 2017).

در مقابل، جرایم اقتصادی در بسیاری از موارد فاقد تعریف یکپارچه قانونی هستند و بیشتر از طریق فهرست‌نویسی در قوانین خاص مورد اشاره قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، ماده یک قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۷۹) جرایمی نظیر قاچاق عمده، اختلال در نظام ارزی و پولی، احتکار گسترده، و جعل اسکناس را ذیل جرایم اقتصادی قرار داده است، اما تعریفی مستقل برای «جرم اقتصادی» ارائه نمی‌دهد. این شیوهی جرم‌انگاری بیشتر بر رویکرد مصداق‌محور مبتنی است تا مفهوم‌محور (Zeraat, 2017).

در حقوق تطبیقی، مثلاً در ایالات متحده آمریکا، مفهوم جرایم یقه‌سفید^۱ به طور عام به جرایمی اطلاق می‌شود که در بستر اقتصادی و توسط افراد صاحب‌منصب یا نهادهای اقتصادی انجام می‌شود. در این کشور، قوانین فدرال به صورت روشن جرایم

«کلاهبرداری کلان» یا «پول‌شویی گسترده» را به دلیل اثرگذاری شدید بر بازار ارز و اقتصاد کلان، ذیل جرایم اقتصادی دسته‌بندی می‌کنند، در حالی که در پرونده‌های کوچک‌تر با ماهیت مشابه، همان رفتار در گروه جرایم مالی جای می‌گیرد (Bagheri, 2012; Khalili, 2012).

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران بر این باورند که باید مفهومی به نام «جرم اقتصادی - مالی» به عنوان طبقه‌ی سوم وارد ادبیات تقنینی شود، زیرا بسیاری از جرایم امروزی در ساختار اقتصادی کشور، دارای جنبه‌های دوگانه‌اند: هم متضمن ضرر به اشخاص حقیقی هستند و هم در صورت گستردگی، موجب اختلال در نظم اقتصادی کشور می‌گردند (Hamidi, 2016).

افزون بر این، در سطح بین‌المللی نیز چالش در تعریف دقیق این مفاهیم وجود دارد. برای نمونه، کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳) صراحتاً تعریفی جامع از «جرم اقتصادی» ارائه نمی‌دهد، بلکه مصادیق آن همچون ارتشا، اختلاس، سوءاستفاده از موقعیت شغلی و پول‌شویی را برمی‌شمارد. در واقع، با تمرکز بر شیوه‌های ارتکاب جرم، به جای تعریف ماهوی آن، تلاش شده است تا اجماع بین دولت‌ها حفظ شود (UNODC, 2004).

خلاصه به نظر می‌رسد تفکیک روشن میان جرایم اقتصادی و مالی در نظام حقوقی ایران، نیازمند چهار پیش‌نیاز اساسی است:

تعریف قانونی و جرم‌شناختی مشخص از هر دو دسته؛

تدوین معیارهای تمایز مفهومی، حقوقی و جرم‌شناختی؛

تفکیک ساختاری در نظام رسیدگی کیفری؛

انطباق تعاریف داخلی با موازین بین‌المللی.

بررسی تطبیقی عناصر جرایم مالی و اقتصادی

تحلیل علمی تفاوت‌ها و شباهت‌های جرایم اقتصادی و مالی مستلزم بررسی سه عنصر اصلی تشکیل‌دهنده جرم یعنی عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی است. هریک از این عناصر در

¹ white collar crimes

مربوط به فساد، پول‌شویی، سوءاستفاده از منابع مالی عمومی و نقض مقررات بازار بورس را در قالب یک مجموعه خاص جرم‌انگاری کرده‌اند (Gottschalk, 2010).

در حقوق فرانسه نیز، قانون کیفری این کشور به‌ویژه در باب جرایم مالیاتی، پول‌شویی و جرایم سازمان‌یافته اقتصادی، تعاریف دقیق‌تری نسبت به حقوق ایران ارائه داده است. به‌طور خاص، قانون «دستگاه سرکوب فساد مالی»^۱ تلاش کرده است میان جرایم مالی با اثر محدود و جرایم کلان اقتصادی با آثار سیستمی تمایز قائل شود (Fauvarque-Cosson, 2012).

عنصر مادی

عنصر مادی در هر جرم به مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و مستند اطلاق می‌شود که بر اساس قانون، وقوع آن‌ها موجب تحقق جرم است. در جرایم مالی، عنصر مادی عمدتاً در قالب رفتارهای نظیر تصرف غیرمجاز، فریب، جعل، انتقال غیرقانونی، سوءاستفاده از اعتماد یا موقعیت، و تحصیل غیرقانونی مال نمود پیدا می‌کند. ویژگی کلیدی این رفتارها، تمرکز بر روابط میان فرد بزه‌کار و بزه‌دیده‌ی مشخص است که معمولاً منجر به انتقال یا از بین رفتن اموال می‌شود (Goldouzian, 2016).

در جرایم اقتصادی، عنصر مادی نه تنها می‌تواند شامل چنین رفتارهایی باشد، بلکه از نظر کمی و کیفی، گستره‌ی آن‌ها به‌گونه‌ای است که چرخه اقتصادی یک حوزه یا کشور را دچار اختلال می‌کند. برای مثال، احتکار چند صد تن کالا در شرایط بحران اقتصادی، یا قاچاق گسترده ارز، تنها یک فعل مجرمانه ساده نیست، بلکه اقدامی علیه امنیت اقتصادی عمومی تلقی می‌شود (Ebrahimi, 2011).

در بسیاری از موارد، رفتار مادی مجرمانه در جرایم اقتصادی ممکن است از جنس ترک فعل نیز باشد، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون عدم ثبت مالیاتی، عدم اظهار دارایی، یا امتناع از گزارش معاملات

مشکوک. بنابراین، عنصر مادی در جرایم اقتصادی بیش از آنکه محدود به فعل مثبت باشد، دربردارنده مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های اقتصادی با پیامدهای سیستمی است (Rezazadeh, 2014).

ویژگی دیگر عنصر مادی در جرایم اقتصادی، لزوم ارزیابی رفتار مجرمانه با در نظر گرفتن اثرات آن در مقیاس کلان است. به‌عبارت دیگر، بسیاری از رفتارهایی که در حوزه جرایم مالی دارای وصف جزئی هستند، اگر با هدف یا نتیجه اخلال اقتصادی صورت گیرند، می‌توانند به جرایم اقتصادی ارتقاء یابند. این مسأله موجب آن شده که تمایز بین این دو جرم، در عنصر مادی نیز تابع کمیت، گستره، و آثار اجتماعی - اقتصادی باشد.

عنصر روانی

عنصر روانی، یا همان نیت و اراده مجرمانه، از دیگر مبانی مهم در افتراق بین جرایم مالی و اقتصادی است. در جرایم مالی، سوء نیت اغلب به‌صورت اراده بر تصاحب مال غیر یا فریب بزه‌دیده نمود دارد. قصد مجرمانه معمولاً مشخص، شخصی و متوجه بزه‌دیده‌ی خاص است. انگیزه‌های شخصی نظیر نیاز مالی، طمع، یا رقابت اقتصادی در این دسته از جرایم غالب است (Shambiati, 2014).

در مقابل، عنصر روانی در جرایم اقتصادی معمولاً پیچیده‌تر است. اگرچه نیت اولیه ممکن است همچنان سودجویی باشد، اما در بسیاری موارد، انگیزه‌های سیاسی، گروهی، سازمان‌یافته یا حتی ایدئولوژیک در ارتکاب این جرایم ایفای نقش می‌کنند. افزون بر این، وجود قصد آگاهانه برای اخلال در نظم بازار، یا بهره‌برداری سیستمی از خلأهای قانونی، از دیگر ویژگی‌های عنصر روانی در این دسته از جرایم است (Taheri, 2016).

به‌طور خاص، برخی از جرایم اقتصادی نظیر پول‌شویی یا فرار مالیاتی کلان، نیازمند اثبات قصد پوشش منشأ غیرقانونی یا

^۱ Société de Répression de la Grande Délinquance Financière

این تفاوت در گستره آسیب‌دیدگان، تأثیر زیادی بر سیاست کیفری دارد. جرایم اقتصادی نیازمند برخورد فعال و پیش‌دستانه دولت از طریق دادستانی و نهادهای نظارتی هستند، در حالی که جرایم مالی عمدتاً متکی بر شکایت خصوصی و روند کلاسیک تعقیب کیفری‌اند. از این حیث، جرایم اقتصادی در زمره جرایم عمومی و غیرقابل گذشت قرار می‌گیرند، اما بسیاری از جرایم مالی، قابلیت گذشت دارند (Goldouzian, 2016).

تفاوت در قابلیت گذشت و نوع تعقیب

نظام کیفری ایران میان جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت تفکیک قائل شده است. ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مصادیق جرایم قابل گذشت را برشمرده است و تصریح می‌کند که گذشت شاکی می‌تواند موجب موقوف شدن تعقیب یا اجرای مجازات شود.

در این راستا، اغلب جرایم مالی چون خیانت در امانت، صدور چک بلامحل، بعضی موارد کلاهبرداری، یا جعل سند، در صورت رضایت بزه‌دیده، قابلیت گذشت دارند. این امر از آن‌روست که خسارت وارده به شخص خاص قابل جبران است و جنبه عمومی جرم به اندازه‌ای نیست که نیازمند ادامه تعقیب توسط دادسرا باشد (Shambiati, 2014).

در نقطه مقابل، اغلب جرایم اقتصادی جزء جرایم غیرقابل گذشت محسوب می‌شوند. ماده یک قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، به‌صراحت بیان می‌دارد که «رسیدگی به این جرایم در صلاحیت محاکم انقلاب است و با شکایت خصوصی متوقف نمی‌شود». به عبارت دیگر، در جرایم اقتصادی، دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم مکلف به ورود مستقیم و پیگیری پرونده است، حتی در غیاب شاکی خصوصی (Ebrahimi, 2011).

این تفاوت در قابلیت گذشت و نوع تعقیب، ناشی از ماهیت متفاوت آسیب‌های ناشی از این دو دسته از جرایم است. جرایم مالی، رابطه‌ای فردی میان مرتکب و بزه‌دیده دارند، اما جرایم

پنهان‌سازی آثار جرم اولیه هستند که پیچیدگی اثبات عنصر روانی را بیشتر می‌کنند. همچنین، در مواردی، بی‌پروایی یا بی‌تفاوتی عمدی نسبت به پیامدهای کلان اجتماعی، به‌عنوان حالت‌های خاصی از قصد مجرمانه در جرایم اقتصادی پذیرفته شده‌اند (UNODC, 2004).

تمایزات ساختاری جرایم اقتصادی و مالی

در کنار تمایزات مفهومی و عناصر سه‌گانه جرم، ساختار حقوقی و جرم‌شناختی حاکم بر جرایم اقتصادی و مالی نیز وجوه افتراق آشکاری را در عملکرد نظام کیفری به نمایش می‌گذارد. این تفاوت‌ها به نحوه رسیدگی، تعقیب، آثار اجتماعی، بزه‌دیدگان، نقش دادستان، امکان یا عدم امکان گذشت، و اهداف جرم‌انگاری مربوط می‌شوند. در این بخش، به تفصیل این وجوه بررسی خواهد شد.

تفاوت در گستره بزه‌دیدگان و آثار اجتماعی

یکی از مهم‌ترین تمایزات ساختاری میان جرایم مالی و اقتصادی، تفاوت در نوع و گستره آسیب‌دیدگان یا بزه‌دیدگان است. در جرایم مالی، معمولاً بزه‌دیده شخص حقیقی یا حقوقی مشخصی است که در نتیجه رفتار مجرمانه، متحمل خسارت مالی مستقیم می‌شود. برای مثال، در جرم خیانت در امانت، یک شخص مشخص، مال خود را به دیگری سپرده و در نتیجه خیانت متضرر می‌شود (Mir Mohammad Sadeghi, 2017).

در مقابل، جرایم اقتصادی معمولاً فاقد بزه‌دیده مشخص هستند. بزه‌دیده در این جرایم، «جامعه» یا «نظام اقتصادی کشور» به‌صورت کلی است. برای مثال، احتکار گسترده برنج یا قاچاق گسترده ارز، ممکن است هیچ شاکی خصوصی نداشته باشد، اما باعث تورم، کاهش قدرت خرید عمومی و اخلاص در بازار مصرف می‌شود. در این‌گونه موارد، متضرر اصلی، بدنه جامعه است (Hamidi, 2016).

اقتصادی با منافع عمومی و امنیت اقتصادی گره خورده‌اند و دارای آثار سیستمی و فراگیر هستند.

تفاوت در قلمرو جرم‌انگاری و اهداف کیفری

هدف از جرم‌انگاری در حوزه جرایم مالی، حمایت کیفری از حقوق مالکانه افراد است. این هدف، ناظر به حفظ اعتماد عمومی به نظام تبادلات مالی و حمایت از روابط فردی در بستر قانونی معاملات است. بنابراین، نظام کیفری در جرایم مالی تلاش می‌کند با کیفر مرتکب، رضایت بزه‌دیده را جلب و نظم فردی را اعاده کند (Rezazadeh, 2014).

اما در حوزه جرایم اقتصادی، هدف اصلی جرم‌انگاری، حفاظت از ساختارهای کلان اقتصادی، نظام توزیع عادلانه منابع، حفظ ثبات مالی و پیشگیری از فساد سیستماتیک است. در این جا، بزه نه فقط نقض حق یک شخص، بلکه تهدید امنیت اقتصادی کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل، کیفر این‌گونه جرایم شدیدتر، فرآیند رسیدگی خاص‌تر و سازوکارهای نظارتی پیچیده‌تر است (Taheri, 2016).

برای مثال، در مورد جرم «اخلال در نظام اقتصادی کشور»، قانون‌گذار مجازات‌هایی از قبیل اعدام، حبس ابد، مصادره کل اموال و محرومیت دائم از مشاغل دولتی را پیش‌بینی کرده است؛ در حالی که در جرایم مالی، مجازات‌ها عمدتاً محدود به حبس‌های تعزیری، جزای نقدی یا رد مال است (Zeraat, 2017).

علاوه بر این، جرم‌انگاری در جرایم اقتصادی گاه پیشگیرانه است؛ یعنی حتی اگر خسارت مشخصی به بار نیامده باشد، صرف احتمال اخلال در بازار یا سوءاستفاده از موقعیت، موجب تعقیب کیفری خواهد بود. برای نمونه، نگهداری غیرمجاز ارز خارجی یا خرید و فروش سکه خارج از شبکه بانکی، حتی بدون اثبات ضرر، جرم محسوب می‌شود (Mir Mohammad Sadeghi, 2017).

تحلیل قوانین موجود و آسیب‌شناسی آن‌ها

با توجه به رشد و پیچیدگی روزافزون جرایم اقتصادی و مالی، وجود قوانین جامع، شفاف، و منسجم برای مقابله با این پدیده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. در نظام حقوقی ایران، اگرچه تلاش‌هایی برای جرم‌انگاری این دسته از جرایم صورت گرفته، اما پراکندگی مواد قانونی، عدم وجود تعاریف روشن، و رویکرد تقنینی مصداق‌محور به جای مفهوم‌محور، از مهم‌ترین موانع در تحقق کارآمدی کیفری در این زمینه به‌شمار می‌روند.

بررسی قانون مجازات اسلامی و قوانین خاص

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به عنوان مهم‌ترین منبع عمومی کیفری کشور، دربردارنده مواد محدودی درباره جرایم مالی و اقتصادی است. به عنوان نمونه، ماده ۳۶ قانون مزبور، به جرایمی نظیر کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء و جرایم موضوع قانون مجازات اخلاگران نظام اقتصادی اشاره می‌کند و حکم به انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها برای برخی از این جرایم می‌دهد. با این حال، در همین ماده نیز، «جرم اقتصادی» به طور صریح تعریف نشده و تنها به ذکر برخی مصادیق اکتفا شده است (Mir Mohammad Sadeghi, 2017).

همچنین ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، صرفاً به این نکته اشاره دارد که جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ در زمره جرایم غیرقابل گذشت قرار دارند. این عدم تفکیک مفهومی میان جرایم مالی و اقتصادی، زمینه را برای تفسیرهای متضاد قضایی فراهم کرده است، به گونه‌ای که دو شعبه قضایی ممکن است نسبت به یک رفتار واحد، یکی رویکرد اقتصادی و دیگری رویکرد مالی اتخاذ نمایند (Goldouzian, 2016).

در کنار قانون مجازات اسلامی، مجموعه‌ای از قوانین خاص به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی پرداخته‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۷۹)؛ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲)؛ قانون مبارزه با پول‌شویی (۱۳۸۶، اصلاحی ۱۳۹۷)؛ قانون تشدید

از سوی دیگر، پراکندگی در تنظیم مجازات‌ها نیز موجب شده تا اصل تناسب جرم و مجازات، که یکی از اصول بنیادین عدالت کیفری است، در بسیاری از پرونده‌ها رعایت نشود. برای نمونه، ممکن است برای یک پرونده کلاهبرداری مالی با مبلغ بالا، مجازات چند سال حبس در نظر گرفته شود، در حالی که برای پرونده‌ای با اثر اجتماعی گسترده‌تر، مجازات سبک‌تری تعیین شود، تنها به دلیل نوع قانون خاص حاکم بر آن (Shambiati, 2014).

در مجموع، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران نیازمند یک «قانون جامع جرایم اقتصادی» است که در آن، به‌طور مستقل مفاهیم جرم مالی و جرم اقتصادی تعریف شود؛ مرز میان این دو حوزه به‌روشنی ترسیم شود؛ دادگاه ویژه جرایم اقتصادی با صلاحیت اختصاصی و سازوکارهای تخصصی طراحی شود؛ معیارهای تشدید یا تخفیف مجازات‌ها بر مبنای گستره تأثیر و نوع نیت مجرمانه مشخص شود. در گام بعد، بخش ششم مقاله با عنوان «مطالعه تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر و اسناد بین‌المللی» تقدیم خواهد شد که به بررسی تجربیات کشورهای مانند فرانسه و آمریکا و نیز جایگاه مفاهیم مورد بحث در اسناد بین‌المللی چون کنوانسیون مریدا می‌پردازد.

مطالعه تطبیقی با نظام‌های حقوقی دیگر و اسناد بین‌المللی

تمایز میان جرایم اقتصادی و مالی، مسئله‌ای است که در اغلب نظام‌های حقوقی توسعه‌یافته نیز مطرح بوده و واکنش‌های متنوعی را در سیاست تقنینی و قضایی آن‌ها برانگیخته است. در این بخش، ابتدا به مقایسه تطبیقی نظام حقوقی ایران با دو نظام مهم حقوقی - فرانسه و ایالات متحده آمریکا - پرداخته، سپس جایگاه مفاهیم اسناد بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون مریدا، بررسی می‌شود.

مرور تطبیقی با حقوق فرانسه و ایالات متحده

در نظام حقوقی فرانسه، اصطلاح «جرایم اقتصادی و مالی» به‌صورت هم‌زمان و در اسناد رسمی، با این عنوان ترکیبی به‌کار می‌رود. با این حال، در عمل، نظام قضایی فرانسه میان این دو نوع جرم تفاوت قائل است. دادگاه‌های مالی فرانسه (مانند Cour des

مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (۱۳۷۵)؛ مقررات جزایی گمرک، مالیات، بورس و ثبت شرکت‌ها.

اگرچه این قوانین در ظاهر به جنبه‌هایی از جرایم اقتصادی پرداخته‌اند، اما از دو ایراد اساسی رنج می‌برند: نخست، تعریف‌گریزی و اتکای صرف بر مصادیق، و دوم، نبود انسجام ساختاری در رویکرد قانون‌گذار. در حالی که برخی از این قوانین تأکید بر واکنش کیفری حداکثری دارند، برخی دیگر سیاست جنایی ملایم‌تری را اتخاذ کرده‌اند (Zeraat, 2017).

نارسای‌ها و ابهامات قانونی

یکی از مهم‌ترین نارسایی‌های نظام تقنینی ایران، نبود یک طبقه‌بندی حقوقی شفاف و قابل استناد میان «جرایم اقتصادی» و «جرایم مالی» است. این خلأ مفهومی، آثار عملی گسترده‌ای دارد، از جمله تداخل صلاحیت مراجع قضایی (دادگاه عمومی، انقلاب، کیفری یک و دو)؛ بی‌ثباتی در نوع مجازات‌ها و امکان صدور احکام متعارض؛ دشواری در تدوین سیاست پیشگیرانه؛ ضعف در همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه در پیگیری پول‌شویی، فرار مالیاتی و جرایم فراملی.

برای مثال، در قانون مبارزه با پول‌شویی، تعریفی از جرم مالی یا جرم اقتصادی ارائه نشده است، و صرفاً به «فعالیت‌هایی که منشأ درآمد آن‌ها نامشروع باشد» اشاره شده است. این در حالی است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، جرم پول‌شویی به‌عنوان یک جرم اقتصادی با آثار کلان تلقی می‌شود و تعریف دقیقی از آن ارائه شده است (Gottschalk, 2010).

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز، با وجود ذکر مصادیق مختلف، تعریف جامع و مانعی از «اخلال در نظام اقتصادی» وجود ندارد. در نتیجه، رفتارهای مشابه ممکن است توسط مراجع مختلف، در برخی موارد تحت عنوان تخلف اداری و در موارد دیگر تحت عنوان جرم اقتصادی مورد تعقیب قرار گیرند (Rezazadeh, 2014).

Cour de discipline budgétaire et comptes

(financière) صلاحیت رسیدگی به جرایمی را دارند که بیشتر جنبه مالی دارند، در حالی که دادگاه‌های کیفری اقتصادی صلاحیت رسیدگی به جرایمی مانند پول‌شویی، فساد ساختاری، احتکار و جرایم بازار بورس را دارند (Fauvarque-Cosson, 2012). همچنین، در فرانسه، قوانین متعددی از جمله قانون «شفافیت، مبارزه با فساد و نوسازی زندگی عمومی» مصوب ۲۰۱۷، به‌طور خاص با هدف مقابله با جرایم اقتصادی طراحی شده‌اند. در این قوانین، سازوکارهای پیشگیرانه مانند افشای اموال عمومی، تعارض منافع، و گزارش‌دهی شفاف شرکت‌های بزرگ پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب، تفاوت ساختاری میان جرایم مالی (نظیر خیانت در امانت) با جرایم اقتصادی (نظیر فساد مالی در معاملات عمومی) به‌خوبی مشهود است.

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، تمایز میان جرایم مالی و اقتصادی معمولاً از رهگذر طبقه‌بندی جرایم یقه‌سفید و جرم شرکتی صورت می‌گیرد. جرایم مالی اغلب در رده جرایم یقه سفید قرار می‌گیرند، که در آن‌ها فردی با سوءاستفاده از موقعیت حرفه‌ای خود مرتکب جرم می‌شود؛ اما جرایم اقتصادی کلان مانند تقلب در بورس، پول‌شویی سازمان‌یافته، یا فساد نهادی معمولاً در قالب جرائم شرکتی بررسی می‌شوند که متوجه ساختارهای نهادی و نهادهای حقوقی بزرگ است (Gottschalk, 2010).

افزون بر این، در آمریکا نهادهایی چون کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) اداره مالیات (ISR) و اداره تحقیقات فدرال (FBI) نقش فعالی در مبارزه با این جرایم ایفا می‌کنند و تقسیم صلاحیت میان مراجع قضایی و اجرایی بر اساس ماهیت جرم صورت می‌گیرد. برای مثال، اگر تقلب مالیاتی به‌صورت فردی و با مبلغ محدود باشد، رسیدگی آن در سطح ایالتی انجام می‌شود، اما اگر سازمان‌یافته و با اهداف پول‌شویی باشد، به صلاحیت دادگاه فدرال منتقل می‌شود (Fauvarque-Cosson, 2012).

این تقسیم‌بندی شفاف، به تنظیم دقیق‌تر سیاست جنایی کمک کرده و امکان صدور احکام متناسب‌تر و کارآمدتر را فراهم کرده است؛ امری که در حقوق کیفری ایران، به‌دلیل نبود این تمایز ساختاری، کمتر مشاهده می‌شود (Zeraat, 2017).

جایگاه در کنوانسیون مریدا و اسناد مشابه

یکی از اسناد کلیدی در سطح بین‌المللی که به جرایم اقتصادی و مالی پرداخته، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، موسوم به «کنوانسیون مریدا» است که در سال ۲۰۰۳ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و ایران نیز در سال ۱۳۸۵ به آن پیوست.

کنوانسیون مریدا، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی داخلی، تعریفی رسمی از «جرم اقتصادی» ارائه نمی‌دهد، اما مجموعه‌ای از جرایم با ماهیت اقتصادی را فهرست می‌کند، از جمله ارتشاء در بخش عمومی و خصوصی؛ اختلاس و سوءاستفاده از اموال عمومی؛ سوءاستفاده از نفوذ؛ پول‌شویی؛ اختلال در فرآیندهای مزایده و مناقصه؛ پنهان‌کاری در منبع درآمد.

در این کنوانسیون، تأکید ویژه‌ای بر پیشگیری از وقوع این جرایم از طریق شفاف‌سازی، تعارض منافع، حسابرسی مستقل، و آموزش کارگزاران عمومی شده است. فصل دوم این سند، به‌طور خاص به «اقدامات پیشگیرانه» می‌پردازد که خود نشانگر نگاه ساختاری کنوانسیون به جرایم اقتصادی، فراتر از واکنش صرفاً کیفری است (UNODC, 2004).

همچنین در اسناد مکمل مانند «راهنمای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم» منتشرشده توسط گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، تعریفی گسترده از فعالیت‌های مجرمانه اقتصادی ارائه شده است. این تعریف شامل جرایمی می‌شود که در آن‌ها نه تنها منافع مالی غیرقانونی حاصل می‌شود، بلکه هدف یا نتیجه آن‌ها تخریب ساختار مالی کشورها است. این نگاه، فاصله‌ای آشکار با نگاه محدود به جرایم مالی دارد.

جنایی، تمرکز جرایم مالی بر بازگرداندن اموال به بزه‌دیده و رضایت طرفین است، در حالی که هدف از کیفر جرایم اقتصادی، پیشگیری از اخلال در امنیت و ثبات اقتصادی کشور است (Zeraat, 2017).

با وجود این تمایزها، حقوق کیفری ایران تاکنون فاقد یک طبقه‌بندی علمی، شفاف و منسجم میان این دو حوزه بوده و قوانین موجود بیشتر بر مبنای احصای مصادیق طراحی شده‌اند تا تدوین مفاهیم. این مسئله، موجب سردرگمی در تفسیر قوانین، عملکرد ناهماهنگ دستگاه قضایی، ضعف در پیشگیری، و ناکارآمدی در همکاری‌های بین‌المللی شده است (Rezazadeh, 2014).

در مقایسه با نظام‌های پیشرفته‌ای چون فرانسه و ایالات متحده، که با ایجاد نهادهای خاص، دادگاه‌های تخصصی، و تعاریف دقیق، زمینه تفکیک و مقابله مؤثر با هریک از این جرایم را فراهم کرده‌اند، سیاست جنایی ایران نیازمند اصلاحات بنیادین است (Goldouzian, 2016; Gottschalk, 2010). همچنین، هماهنگی با اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون مریدا و توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی، ایجاب می‌کند که قانون‌گذار ایران به جای نگاه سطحی به مصادیق، به سمت تدوین نظامی مفهومی و ساختاری برای این جرایم حرکت کند (UNODC, 2004).

بر این اساس، پیشنهاد‌های ذیل قابل طرح‌اند:

۱. پیشنهاد‌های تقنینی

تدوین «قانون جامع جرایم اقتصادی» شامل تعریف، طبقه‌بندی، عناصر، و سازوکارهای رسیدگی؛ اصلاح مواد قانون مجازات اسلامی و حذف ابهامات در تمایز میان جرایم مالی و اقتصادی؛ ایجاد تعریف مستقل و حقوقی برای مفاهیم «جرم اقتصادی» و «جرم مالی» و تعیین مصادیق هریک با تکیه بر آثار اجتماعی و اقتصادی آن‌ها؛ تعیین حد نصاب‌های مالی برای تفکیک میان تخلفات، جرایم مالی، و جرایم اقتصادی کلان.

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در اغلب نظام‌های حقوقی پیشرفته، جرم‌انگاری اقتصادی با نگاه ساختاری، فراگیر، و مبتنی بر ارزیابی ریسک صورت می‌گیرد؛ در حالی که نظام حقوقی ایران همچنان بر محور تعریف‌های مصداقی، سنتی و محدود حرکت می‌کند. این امر به کاهش قابلیت تطبیق قوانین داخلی با اسناد بین‌المللی منجر شده و مانعی جدی بر سر راه همکاری‌های حقوقی فراملی ایجاد کرده است (Rezazadeh, 2014).

نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی تطبیقی میان جرایم اقتصادی و مالی در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که اگرچه این دو نوع جرم در برخی مصادیق، عناصر و ساختارها دارای همپوشانی‌هایی هستند، اما در بنیادهای مفهومی، قلمرو آثار اجتماعی، شیوه تعقیب، هدف از جرم‌انگاری و سیاست جنایی، تفاوت‌هایی جدی و بنیادین با یکدیگر دارند.

از منظر مفهومی، جرایم مالی بیشتر متوجه تضییع اموال اشخاص حقیقی یا حقوقی به صورت مستقیم هستند و بزه‌دیده مشخص دارند، حال آن‌که جرایم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر ساختارهای کلان اقتصادی و نظام توزیع، منافع عمومی و اقتصادی جامعه را هدف قرار می‌دهند (Mir Mohammad Sadeghi, 2017).

این تفاوت در ماهیت، موجب تمایز در عنصر مادی و روانی جرم نیز می‌شود؛ چنان‌که در جرایم اقتصادی، عنصر روانی گاه به صورت بی‌پروایی یا نیت سازمان‌یافته در قبال جامعه بروز می‌یابد (Taheri, 2016).

از نظر ساختاری، تفاوت در قابلیت گذشت، تعقیب عمومی، مجازات‌ها و صلاحیت مراجع قضایی از جمله نشانه‌های تمایز عینی و عملی این دو حوزه است. در حالی که اغلب جرایم مالی با رضایت شاکی خصوصی قابل گذشت‌اند، جرایم اقتصادی عمدتاً غیرقابل گذشت بوده و تعقیب آن‌ها مستقیماً توسط دادستان انجام می‌شود (Goldouzian, 2016). افزون بر این، در سیاست

۲. پیشنهاد‌های ساختاری

تأسیس دادگاه‌ها و دادرهای تخصصی برای رسیدگی به جرایم اقتصادی و مالی؛ آموزش قضات، ضابطان قضایی و کارشناسان حقوقی در زمینه تمایز مفهومی و تحلیلی این دو حوزه؛ ایجاد واحدهای کارشناسی اقتصادی در دادرها جهت ارزیابی آثار ساختاری جرایم؛ نهادهای سازای همکاری میان بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، نهادهای نظارتی و مراجع قضایی.

۳. پیشنهاد‌های جرم‌شناختی و سیاسی

طراحی سیاست جنایی افتراقی و چندبُعدی برای هر دسته از این جرایم؛ استفاده از ابزارهای پیشگیری وضعی در جرایم اقتصادی نظیر شفاف‌سازی معاملات، ثبت اطلاعات مالی، افشای دارایی مسئولان؛ تدوین مدل‌های جرم‌شناسی اقتصادی برای تحلیل

include offenses such as large-scale money laundering, tax evasion, and market manipulation (Zeraat, 2017). By mapping the conceptual boundaries and exploring legal inconsistencies, this article advances a framework for differentiating these offenses within the Iranian context, an approach informed by both domestic law and international conventions.

The theoretical foundation of the article lies in the distinction between the individualistic harms caused by financial crimes and the systemic disruptions of economic crimes. Financial crimes often involve the illegal acquisition or manipulation of assets through deceitful means, typically impacting specific individuals or organizations. Legal systems across jurisdictions, including Iran's Islamic Penal Code, codify such offenses with clarity, offering provisions that allow for victim restitution and legal forgiveness (Gottschalk, 2010). Conversely, economic crimes, lacking a single identifiable victim, are directed against public welfare and economic stability. They are categorized as non-compoundable offenses, often requiring proactive

انگیزه‌ها، ساختارهای فسادپذیر، و نقاط آسیب‌پذیر در اقتصاد کلان؛ اصلاح ساختار همکاری‌های بین‌المللی ایران در زمینه پول‌شویی، فرار مالیاتی، فساد اداری و جرایم فراملی دیگر. در نتیجه، می‌توان گفت تمایزگذاری دقیق و علمی میان جرایم مالی و اقتصادی، نه تنها به ارتقای نظام حقوقی ایران و افزایش اعتبار قضایی کشور در سطح جهانی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند گامی مؤثر در جهت افزایش اعتماد عمومی، مقابله مؤثر با فساد و تحقق عدالت کیفری کارآمد در کشور باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In recent years, the Iranian criminal justice system has faced increasing pressure to revise its approach toward the categorization and prosecution of economic and financial crimes. These crimes, though frequently used interchangeably in legal parlance, hold distinct legal, structural, and criminological identities. This study undertakes a rigorous analytical-descriptive methodology, rooted in library research, to dissect the conceptual foundations and legal characteristics of economic versus financial crimes. The aim is not only to highlight their differences but also to clarify the implications of this distinction for legislative clarity and criminal policy. Financial crimes are primarily associated with individual victims and relate to direct violations against personal property or legal instruments—such as embezzlement, forgery, and fraudulent conduct—characterized by identifiable harms and personal gain motives (Goldouzian, 2016). In contrast, economic crimes disrupt the structural integrity of a nation's financial ecosystem, with implications for broader social and political stability. These

intervention by the public prosecutor regardless of private complaints (Ebrahimi, 2011). This distinction in the legal system reflects broader differences in criminal intent, with financial crimes driven largely by personal motives such as greed or rivalry, while economic crimes often arise from institutional abuse, ideological goals, or deliberate attempts to manipulate public markets (Taheri, 2016). Notably, the complex nature of the mens rea in economic crimes has led to difficulties in legal articulation and judicial enforcement, exacerbated by Iran's tendency to define these crimes through enumerative statutes rather than conceptual clarity.

The article provides a comparative analysis of the three main elements of a crime—legal, material, and mental—as they apply to economic and financial crimes. The legal element (*nullum crimen sine lege*) is well established in financial crime legislation, with detailed criminal definitions and sanctions codified in laws such as the Anti-Fraud Act and the Check Issuance Law (Mir Mohammad Sadeghi, 2017). However, for economic crimes, Iran lacks unified statutory definitions; existing laws like the Anti-Disruption of Economic Order Act merely list examples without defining the underlying concepts (Zeraat, 2017). The material element in financial crimes typically involves direct actions such as embezzlement, bribery, or document forgery, whereas economic crimes may involve broader acts—ranging from monopolistic practices to strategic tax evasion—with ramifications at the national level (Rezazadeh, 2014). Furthermore, while financial crimes often include clear physical acts (acts of commission), economic crimes may also involve strategic inactions (acts of omission), such as failing to report suspicious transactions. Regarding the mental element, or intent, financial crimes are generally committed with explicit, individualistic goals,

whereas economic crimes often involve collective, systemic, or ideologically-driven intentions. This makes the prosecution of economic crimes particularly complex, as establishing criminal liability involves tracing intent across multiple organizational layers or over extended timelines (UNODC, 2004).

Structural and procedural distinctions further reinforce the divergence between economic and financial crimes. Financial crimes are generally considered compoundable offenses; resolution is often pursued through private complaint mechanisms, emphasizing restitution and reconciliation (Shambiati, 2014). In contrast, economic crimes are designated as public offenses, mandating prosecutorial pursuit regardless of victim participation and often subject to more severe penalties, including life imprisonment or capital punishment (Goldouzan, 2016). This divergence in treatment is mirrored in their social impact. Financial crimes, though harmful, tend to affect specific individuals or organizations, while economic crimes have widespread repercussions, influencing inflation rates, market equilibrium, and public trust in financial institutions (Hamidi, 2016). As such, the judiciary's role also varies: civil courts and general prosecutors typically oversee financial crimes, whereas economic crimes are handled by revolutionary courts and specialized economic branches, requiring broader investigative capabilities and multi-agency collaboration. Yet, this differentiation is inconsistently applied in Iranian courts due to conceptual ambiguities and lack of unified legal definitions, often resulting in conflicting verdicts and judicial inefficiencies (Bagheri Khalili, 2012).

International comparisons further illuminate the challenges and potential pathways for Iran's legal reform. The French system, for example, formally recognizes the distinction between financial and economic crimes through institutional specialization—

delegating cases to respective courts depending on the crime's structural impact (Fauvarque-Cosson, 2012). U.S. jurisprudence differentiates between "white-collar crimes" and "corporate economic crimes," with separate prosecutorial strategies and oversight mechanisms for each (Gottschalk, 2010). These systems have implemented preventive tools such as asset disclosure regulations, financial transparency requirements, and risk-based auditing to complement punitive measures. Notably, international conventions such as the United Nations Convention against Corruption (Merida Convention) avoid offering exhaustive definitions but advocate for institutional frameworks that distinguish between types of economic misconduct (UNODC, 2004). These insights underline the need for Iran to shift from a case-based enumeration model toward a definition-oriented legislative framework that aligns with global standards and facilitates cross-border cooperation in combating transnational financial and economic crimes (Rezazadeh, 2014).

A critical analysis of Iran's statutory framework reveals several limitations impeding the effective distinction and prosecution of economic and financial crimes. The 2013 Islamic Penal Code references various offenses (e.g., bribery, fraud, and embezzlement) but fails to categorize them conceptually, instead relying on vague criteria and outdated categorizations (Mir Mohammad Sadeghi, 2017). Similarly, special laws such as the Anti-Smuggling Act and the Anti-Money Laundering Act, while addressing individual criminal behaviors, provide no coherent taxonomy to distinguish structurally different forms of economic harm. The resulting legislative dissonance leads to jurisdictional confusion, inconsistent sentencing, and diminished deterrence. Moreover, without a standardized classification system, Iran's legal system faces difficulty engaging in

international legal collaborations, as discrepancies in terminology and crime definition complicate mutual legal assistance and treaty compliance (Gottschalk, 2010). The article concludes by recommending the development of a comprehensive legal framework for economic crimes, which would include unified definitions, distinct legal pathways, and integrated judicial mechanisms. This would facilitate judicial consistency, improve prosecutorial focus, and align Iran's criminal justice policy with international legal norms.

In conclusion, this study asserts that distinguishing between economic and financial crimes is not merely a semantic exercise but a critical reform imperative for Iran's legal system. While both forms of criminal behavior can overlap in practice, their theoretical underpinnings, prosecutorial needs, and social consequences demand a differentiated approach. Only through legal clarity, institutional specialization, and policy alignment with international standards can Iran ensure justice, enhance economic resilience, and foster public trust in the rule of law. The integration of comparative legal insights and international conventions into domestic reform strategies offers a viable pathway forward for a more efficient, equitable, and globally coherent criminal justice system.

References

- Bagheri Khalili, F. (2012). *Economic Crimes: A Comparative Analysis in the Iranian Criminal System and International Instruments*. University of Tehran.
- Ebrahimi, M. (2011). *Economic Crimes in Iranian Criminal Law*. Mizan Publishing.
- Fauvarque-Cosson, M. (2012). *Droit pénal économique et financier*. Dalloz.
- Goldouzian, I. (2016). *Specific Criminal Law* (Vol. 3). University of Tehran.
- Gottschalk, P. (2010). *White-Collar Crime: Detection, Prevention and Strategy in Business Enterprises*. Palgrave Macmillan.

- Hamidi, M. (2016). *Analysis of Iran's Criminal Policy Regarding Economic Crimes*. Jangal Publishing.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2017). *Specific Criminal Law* (Vol. 2). Mizan.
- Raesdana, F. (2004). *Economic Crimes and Their Role in Weakening the National Economy*. Majlis Research Center.
- Rezazadeh, V. (2014). *Investigation of Economic Crimes in Iranian Criminal Law and Ways to Prevent Them and Their Compliance with International Instruments* [Islamic Azad University, Urmia Branch].
- Shambiati, H. (2014). *Specific Criminal Law* (Vol. 2). Majd.
- Taheri, S. M. (2016). *A Criminological Analysis of Financial and Economic Crimes in Iran's Criminal Justice System*. Dadgostar.
- UNODC. (2004). *United Nations Convention against Corruption: Legislative Guide for the Implementation*.
- Zeraat, A. (2017). *General Criminal Law* (Vol. 2). Samt.